



نتیجه گیری از نظر سنجی بر خط دیورند

در هشتم می ۲۰۱۷ یعنی دو ماه قبل مقاله تحت عنوان "ضرورت تجدید نظر بر خط دیورند" در وبسایت وزین و ملی آریانا افغانستان آنلاین نشر نمودم که مبتنی بود بر اظهارات ریچارد چارینسکی رئیس پارلمان اروپایی در مورد خط فرضی دیورند به حیث منبع تشنج بین افغانستان و پاکستان. او در قسمتی از اظهاراتش می گوید: "وقت آنست که تصامیم دشوار اتخاذ گردد و اشتباه تاریخی معروف به خط دیورند اصلاح شود"

این مقاله به منظور ارائه نظریات از جانب اهل خبره و دانشمندان افغان و به منظور روشنگری به این قضیه مهم ملی و تاریخی که ارتباط مستقیم به تاریخ و گذشته افغانستان و سرزمین های متعلق به آن دارد و از آغاز تشکیل پاکستان توسط بریتانیه با انقسام هند در سال ۱۹۴۷ تا کنون منشأ اختلاف و تشنج بین افغانستان و پاکستان بوده است در دریچه نظریات به تصمیم گرداندگان و وبسایت آریانا افغانستان گذاشته شد. تا همین اکنون هم این معضله یکی از دلایل دوام جنگ و خونریزی در چهل سال گذشته در افغانستان بوده و پاکستان برای وارد کردن فشار سیاسی و امنیتی برای قبولاندن این خط از جانب افغانستان، از هیچ وسیله و نیرنگ و فتنه دریغ نکرده است. انتظار میرفت نظریات و علاقمندی دانشمندان و اهل خبره و تحلیل گران اوضاع منطقه و نقادان جریانات تاریخ افغانستان، درین رابطه روشنی اندازند تا رهنمودی باشد برای سیاستگران و دولت مردان افغانستان و رهنمائی باشد بر این معضله تاریخی و ملی افغانستان تا باشد که این معضله به حیث منبع تشنج و جنگ و خونریزی و تلفات مالی و جانی که باعث بسی پسمانی ها گردیده و مانع آرامش و صلح و ثبات در افغانستان شده است، راه حل جامع و قابل قبول هم برای افغانستان، هم برای پاکستان و هم برای جامعه بین المللی، بخصوص آنانیکه آنرا به حیث سرحد رسمی بین افغانستان و پاکستان به رسمیت شناخته اند، جست و جو گردد.

با وصف آنکه جناب نعیم بارز پس از گذشت مدتی که نویسندگان و صاحب نظران محدودی در باره این اظهارات چارینسکی داده شد نوشتند:

« نویسندگان محترم و مدعیانی در دفاع از منافع ملی چرا چشم ها و قلم های تان را بسته اید و نمی بینید که بعد از سال ها یک شخصی از یک مرجع رسمی یعنی معاون رئیس بخش اروپا از خط تحمیلی بنام (خط مرزی دیورند) در دفاع از حق ارضی افغانستان که سال ها حکومت های پاکستان آن را در تسلط خود نگاه داشته اند، سخن گفته و به جا هم گفته، پس شما چرا چیزی نمی گوئید؟ آیا این مسأله یک عامل اساسی اختلاف بین افغانستان و پاکستان نیست؟ آیا یک عامل شرارت و جنایات پاکستان علیه مردم افغانستان از همین بابت نیست؟

آیا پاکستان از ظرفیت های مادی چون معادن و آب های فراوان و غیره که در توسعه و رشد سریع اقتصاد افغانستان نقش دارد به هراس نیست، بخصوص که پس از گذشت سال های زیاد از چند سالی بدین سو مورد توجه جهانیان قرار گرفته است و موضوعات بسیار مهم دیگر؟ بنابراین آیا این مسأله ارزش یک سطر ابراز نظر شما را ندارد؟ اقلأً بگوئید دلیل چشم پوشی و بستن قلم های تان در این مورد چیست؟»

ولی باز هم طوریکه دیده شد روی هر دلیلی که بوده کمتر توجه و علاقه به چنین یک معضله، حتی از زبان آنانیکه همواره داد از حق خود ارادیت و همبستگی مردمان هر دو جانب سرحد می زنند، هم صورت نگرفت و تنها چند نظر محدود نشر گردید که می توان چنین خلاصه نمود:

محترم داکتر رووف روشن می نویسند: "حکومت افغانستان اکنون باید ازین فرصت طلایی استفاده نموده و تمام قوای خود را مصرف یک حرکت وسیع دیپلوماتیک نموده و این بحث را با سازمان ملل متحد و همه کشور های دوست مطرح سازد."

داکتر حمید روغ نویسنده و مفسر سیاسی توانا در مقاله در چهار بخش در تحت عنوان: "مسأله دیورند، یک دیو رانده می شود، بحثی در سرحدات افغانستان(بخش اول).

می نگارند: "پاکستان دریافت که دیورند لاین که برای مدت ۵۰ سال خط تعرض ستراتیژیک به عمق آسیای میانه از دهلیز افغانستان بود؛ و از همین نظر، ممر حیات و منبع نظری «عمق ستراتیژیک» برای پاکستان، بود، اینک همین خط رُخ بر گردانید و بر علیه موجودیت و بقای پاکستان معطوف شد؛ پاکستان دریافت که استقامت عمل خط دیورند به ضرر پاکستان دور خورده است؛ پس پاکستان "ژست" کرد که از نظریه تعرضی «عمق ستراتیژیک» به حد ممکن عقب نشیند و به رسمیت شناختن دیورند را تقاضا کرد - و هر قدر که فاصله پاکستان با امریکا بیشتر گردید، به همان اندازه کارزار به رسمیت شناختن دیورند بیشتر داغ ساخته شد. دیورند به موضوع حاد محاوره سیاسی مبدل ساخته شد. به رسمیت شناختن دیورند، از هر طرفی که عنوان شد، و عنوان می شود، مضمون ستراتیژیک در آن، مضمون غالب است."

محترم غلام حضرت نویسنده و تحلیل گر دیگر که همواره مقالات تحلیلی و تفسیری را با سبک و روش بسیار جالب و خواندنی می نگارند بعد از بحث مفصل کنجکاوانه و تحلیل اوضاع و موقف های امریکا و انگلیس و پاکستان و سایر قدرت ها و ارتباط های آنها با پاکستان نتیجه گیری میکند که: «آیا ما بر این باور نباشیم که یگانه توریبین قوه محرکه اراده حل مشکل دیورند، نه در تونل بروکسل نه در تونل لندن نه در تونل کابل و نه در تونل پنجاب قرار دارد بلکه فقط و فقط در قلب پیشاور و بلوچستان قرار دارد، اگر آنها اراده کنند می توانند کالبد مومیائی شده و معبود گونه دیورند را در سواحل کراچی به امواج کوبنده بحر هند بسپارند در غیر آن باید بر این باور باشیم که فقط و فقط یکصد سال مصروف و سر کار گذاشته شده ایم و یک صد سال دیگر مصروف نگه خواهیم شد."

محترم غفور لیوال سر پرست وزارت قبایل و سرحدات افغانستان به بی بی سی گفت: «سلب خودمختاری مناطق قبیله بی پاکستان بر سرنوشت خط دیورند تاثیری نخواهد داشت و همچنان تأکید کرد که دولت افغانستان این خط سرحدی را به رسمیت نمی شناسد او همچنین افزود که دولت افغانستان از هر نوع تغییر مثبت به اساس اراده مردم مناطق قبیله ئی پاکستان، استقبال می کند»

جناب بارز نعیم نویسنده و تحلیل گر دیگر اوضاع سیاسی افغانستان مقاله مبسوطی به تشکیل پاکستان توسط برتانیه و نقشی که برتانیه برای آن پیش بینی کرده بود و همچنان نقش پاکستان در افراط گرایی و تروریزم نگاشته و در رابطه با

خط فرضی دیورند به این نتیجه رسیده اند که « در ارتباط به افغانستان باید گفت تا زمانی که در نظام پاکستان تغییر اساسی به میان نیاید و بساط تیروریزم پروری در آن کشور چیده نشود از طریق طرح تشکیل جرگه های قومی دو طرف خط دیورند و یا به رسمیت شناختن خط به اصطلاح مرزی دیورند، نمیتوان امیدی را به رفع جنگ، ترور و بحران در افغانستان بسر پرورید.»

جناب عارف عباسی نویسنده توانا و تحلیل گر و مفسر سیاسی و اقتصادی منطقه با نگاشتن مضمونی تحت عنوان "خط تحمیلی و استعماری دیورند" در دو بخش که در وبسایت آریانا افغانستان در رابطه با این نظر سنجی نگاشته اند، از اوضاع منطقه و تحلیل موقف های کشور متنفذ و قدرتهای مطرح جهان یعنی ایالات متحده امریکا، برتانیه، چین، کشور های اسلامی، ملل متحد، شورای امنیت و درین میان پاکستان را تحلیل و تفسیر نموده و بر نظریات و تفکرات جهان در منطقه متعلق به جنوب آسیا و آسیای مرکزی به معضله خط فرضی دیورند به حیث یکی از معضلات منطوقی تماس گرفته و نگاشته اند:

« خط تحمیلی دیورند در شرایط کنونی تنها موضوع متنازع فیه میان افغانستان و پاکستان با پیامد های شوم و تباہ کن آن نیست، پاکستان تا حدی خود بنابر دلیل مشهود عمل می کند و از جانبی برای تأمین اهداف دیگر وسیله قرار می گیرد ولی در لای این گره خوردگی ها ماهرانه بازی می کند و ابعاد نوی بر معضله می افزاید. چنانچه در دهشت افگنی و ریختن خون افغان و ویرانی وطنش بسی اهداف دیگری نهفته که مصرف تیل این آتش شعله ور از منابع تیل دار میسر شده و اما در صدر همه، همان عمق ستراتیژیک میراث شوم استعماری انگلیس برای پاکستان است و علاوه بر آن رقابت های مذهبی و نفوذ فرهنگی هم در آن گره خورده و سیاست های نفوذ بر منابع انرژی همسایه ها هم البته که ذیدخل می باشد.»

نظر دیگر در رابطه با خط دیورند از نویسنده دیگر این وبسایت که معمولاً نظریات شانرا در دریچه نظر سنجی روی موضوعات مربوط به افغانستان به زبان انگلیسی می نگارند جناب عبدالحکیم حکیمی است که می گویند:

«در آغاز تقسیم هند و پاکستان اشتباه خان عبدالغفار معروف به گاندی سرحد بود که رد پای مهاتما گاندی را با پیروی از مبارزه عدم خشونت تعقیب کرد به این فکر که او هم مثل گاندی می تواند از این راه حقوق حقه پشتون های سرحد را بدست آورد در حالیکه در آن زمان پشتونها فقط شش در صد نفوس هند را تشکیل میدادند و گاندی از تقریباً تمام نفوس هند نمایندگی میکرد.»

اما آقای حکیمی می نویسند که داعیه خط دیورند شاید در بنیاد ساختار خود پاکستان نهفته باشد که از همان آغاز تشکیل، برای بقای خود به حیث یکی از دو عامل بی ثباتی هند بزرگ در پهلوی بنگله دیش، در تقلا بوده است. این چگونگی موجودیت پاکستان، مشروعیت و ثبات هند بزرگتر را در محتوای یک جامعه بزرگ چندین مذهبی و فرهنگی به مشکلات و آزمونها عظیم مواجه می سازد. به محض اینکه منفعت بران از پاکستان، درک کنند که مصرف حفظ پاکستان به حالت موجوده آن بسیار بیشتر از منفعتی است که به دست می آورند، موازنه قدرت بیشتر به طرف هند میلان پیدا می کند و بعد منتج به نتیجه مثل بنگله دیش می گردد که حل معضله دیورند در چنان مرحله اجتناب نا پذیر است و این منطقه به مالکان بر حق آن خواهد رسید.»

این بود جمع بندی نظریاتی که در رابطه با اظهارات رئیس پارلمان اروپائی در مورد خط دیورند و اصلاح این اشتباه، بنا بر گفته او، تقدیم گردید. چون نظریات بیشتری داده نشد از متصدیان وبسایت آریانا افغانستان درخواست می شود

تا این مقاله را از دریچه نظر سنجی حذف نمایند. از همکاری و توجه متصدیان این وب سایت و توجه عمیق شان به معضله تاریخی و ملی و آناتیکه نظریات شانرا درین رابطه ابراز داشته جهانی سپاس.

پایان

